

شنبه‌های چالشی صبا، تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

# چرا قاچاق کتاب

## وجود دارد؟

در شنبه‌های چالشی این هفته روزنامه صبا به صورت تخصصی به پرونده قاچاق کتاب در بازار نشر پرداخته‌ایم. موضوع قاچاق کتاب سال‌هاست که در ایران باب شده و ادامه دارد، آسیب‌شناسی از این حوزه که چرا کتاب‌های بدون مجوز و یا حتی با مجوز اما به صورت قاچاق در بازار وجود دارد، سوال شنبه‌های چالشی این هفته روزنامه صبا است. به همین منظور خبرنگار صبا با این پرسش به سراغ ناشران، نویسندگان و کارشناسان حوزه کتاب رفته تا چستی و علت این مسئله را جویا شود.

سمیه خاتون

پرونده



### احسان عباسلو (نویسنده و مترجم): چرا بر خورد قانونی با قاچاق نمی‌شود؟

سوال بزرگتر از اینکه چرا کتاب قاچاق می‌شود، این است که چرا بر خورد قانونی با این مسئله نمی‌شود؟ شبیه‌ک قاچاق کتاب کاملاً به صورت علنی در پیاده‌روهای خیابان انقلاب مشهود هستند و تمام آثاری که فروخته می‌شوند، از همین دست آثار هستند. البته کسانی که کتاب را می‌فروشند، دستفروش‌اند. تا آنجا که من اطلاع دارم و ناشران نیز عنوان می‌کنند، افراد خاصی تکثیر و نشر کتاب قاچاق را بر عهده دارند که این دستفروشان را استخدام می‌کنند و بعد کتاب‌ها را به این بندگان خدای می‌دهند تا در مناطق مختلف تهران بفروشند. منتها سوال بزرگتر این است که چرا وقتی ما امری مغایر با قانون و خلاف را می‌بینیم، که مستقیماً به اقتصاد نشر ضربه می‌زند، قوه قهریه‌ای به صورت جدی وجود ندارد که با این اتفاق برخورد کند؟ البته ناگفته نماند که با کمک ارشاد و اتحادیه ناشران چند سال پیش هسته‌ای تشکیل شد و به کمک نیروی انتظامی انبارهای از کتاب قاچاق کشف شد، اما این اقدامات هم مقطعی بود که در دروهای خاص اتفاق افتاد و ادامه پیدا نکرد. ما حاصل آنچه که مشخص است این است که این مشکلات کماکان وجود دارد و حل نشده است. ناشر با پرداخت مالیات، هزینه کارمند و ابونمان اقدام به فروش و نشر کتاب می‌کند و حالا در مقابل فردی را ببینید که بدون هیچ کدام یک از این هزینه‌ها کتابی را به صورت قاچاق کف خیابان و یا سایت به فروش می‌رساند! چرا دولت امر خلافی را به وضوح می‌بیند و جلوی آن را نمی‌گیرد؟ ما واقعا به جواب مشخصی در این مسئله نرسیده‌ایم. نمی‌توان این مسئله را نیز به کار آفرینی و ... هم ربط داد چرا که ضربه آن به فرهنگ کشور که دامن گیر ناشران است، بیشتر از سود آن است. شاید داشتن یک پلیس اقتصادی که بتواند آسیب‌شناسی این حوزه‌ها را در اصناف بسجد نیاز باشد. پلیسی که پایش کند همین کارهای ساده که در جامعه صورت می‌گیرد چه لطامات بزرگی به بخش‌های دیگر وارد می‌کند. مسئله دیگر اینکه ناشر کتابی را که سال‌ها پیش چاپ کرده است، بدون اطلاع از مولف تجدید چاپ می‌کند. در عمل می‌بینیم در شناسنامه کتاب چاپ مربوط به ۱۰ سال

جامعه برایش موجود است و حالا این تقاضای خالی مانده را قاچاقچی با کتاب افسست و ... پر می‌کند، این مدل از قاچاق کتاب از این ناحیه است که دچار آسیب و اختلال می‌شود. اما در عمل به جای رفع آسیب مسئله از همین نقطه کار گروه قاچاق کتاب، جلسه تشکیل می‌دهند، چند نفر دستگیر می‌شوند و چند خبر هم در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها مبنی بر این جلوگیری و اقدام دولت درج می‌شود.

در دو بخش دیگر قاچاق کتاب هم شاهد همین روند هستیم، یعنی نیازی در جامعه است که ناشر پاس‌خگویی آن نیست، مانند خیلی از نمایشنامه‌های بهرام بیضایی که خصوصاً دانشجویان رشته تئاتر نیاز به تهیه آن دارند، اما وقتی کتاب نیست و استاد از دانشجو می‌خواهد آن را بخواند، مسلماً دانشجو مجبور است افسست کتاب را تهیه کند. حتی گاه‌آید شده خود استاد در دانشگاه کتابش مجوز نگرفته است مجبور است از دانشجو بخواهد افسست کتاب را تهیه کند. بدین ترتیب، وقتی نیاز برآورده نشود بازار قاچاق خود به خود به وجود می‌آید و دستگیری قاچاقچی و ... عملاً راهکار مقطعی و بی‌فایده‌ای است.

صنعت نشر ما ضعیف و اقتصاد آن هم ضعیف است، به همین خاطر است که قاچاق در تجدید چاپ‌ها هم صورت می‌گیرد، طوری که نه مولف و یا حتی گاهی ناشر هم خبر ندارد. متأسفانه بعضی در حوزه کتاب و نشر تقدس‌گرایی می‌کنند و همین باعث شده علم آسیب‌شناسی از حوزه کتاب را مانند بازارهای دیگر نبینیم. مسلماً وقتی به صورت منطقی نگاه کنیم همه چیز ساده است. با این سخت‌گیری‌ها، بازار کتاب نمی‌تواند رشد کند و دست قاچاقچیان برای سو استفاده از این شرایط مهیا است.

با این اوضاع به کرات شاهدیم قاچاق چپان کتاب، کتاب‌سازی می‌کنند یعنی یک کتاب را با اندک تغییر و به صورت ترجمه فارسی به فارسی منتشر می‌کنند. به این شکل اگر کتابی توسط اسدالله امرایی ترجمه شده باشد؛ با اندک تغییراتی و به اسم یک مترجم دیگر که وجود خارجی ندارد روانه بازار شده و در واقع تغییراتی در فصل‌بندی و صفحات و سطور همان کتاب را کتاب‌سازی می‌کنند و توسط یک انتشارات گمنام وارد بازار نشر می‌شود.

### مریم میرمحمدی (نویسنده و منتقد ادبیات): وقتی نیاز برآورده نشود، بازار قاچاق به وجود می‌آید

قاچاق کتاب در سه دوره مختلف اتفاق افتاده است؛ اولین دوره مربوط به چاپ کتاب‌هایی از قبل انقلاب است که پس از انقلاب به خاطر ممیزی دیگر چاپ نشدند.

این کتاب‌ها به صورت غیر قانونی و به صورت افسست دوباره چاپ و وارد بازار شدند. دومین شکل قاچاق مربوط به کتاب‌هایی است که بعد از انقلاب چاپ شدند اما در سال‌های بعد مجوز چاپ نگرفتند، آنها هم باز به صورت غیر قانونی چاپ و روانه بازار شدند. دسته سوم هم مربوط به کتاب‌های پرفروش انتشارات هستند که مجوز چاپ هم دارند، اما عده‌ای سو استفاده‌گر آنها را به عنوان و یا به نام مترجم دیگر با طرح جلد دیگری به صورت غیر قانونی منتشر می‌کنند. با این حساب هر کدام از این دسته‌ها با توجه به شرایط خاصی که از دلیل غیر قانونی بودن دارند، نیاز به بررسی و آسیب‌شناسی جداگانه‌ای دارند و برای هر سه نمی‌توان آسیب‌شناسی واحد و مشترک‌ی ارائه داد. بعضی‌ها ادعا دارند تا زمانی که در ایران مانند سایر کشورها قانون کپی‌رایت به صورت رسمی و به شکل جهانی‌اش رعایت نمی‌شود، همچنان ما با این دست معضلات روبرو خواهیم بود، این ادعا می‌تواند درست باشد اما در واقع تقلیل‌دهنده بقیه مسائل در این زمینه هم شده است. چرا که یک اشتباه داخلی را تقلیل می‌دهند به یک عنوان کلی خارجی، در صورتی که هر یک از این موارد در زمان خودش و به صورت موردی لازم است آسیب‌شناسی شود.

مثلاً در همان نوع سوم قاچاق کتاب، که قاچاقچیان کتاب را اوسوسه می‌کند که کتاب‌های پرفروش ناشران را به صورت غیر قانونی چاپ و یا در سایت‌هایی با قیمت‌های کاذب تخفیف‌خورده ارائه می‌دهند. آسیب‌شناسی از این مسئله ما را به این بخش سوق می‌دهد که چرا وقتی ناشر یک کتاب را در یک دوره نشر می‌دهد و مورد استقبال قرار می‌گیرد، در دوره‌ای بعد همان کتاب با همان عنوان و با همان محتوا اجازه نشر پیدا نمی‌کند و مجوز نمی‌گیرد؟ کتابی که مخاطب داشته و پرفروش بوده یعنی جامعه به آن نیاز دارد، یعنی عرض‌های که تقاضا در